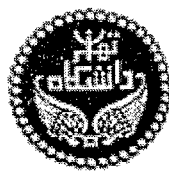


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١١٥٤٥١



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

جایگاه مازاد بخش کشاورزی در فرایند توسعه صنعتی ایران
(بارویکرد آسیب شناسی)

نگارش

حمیدرضا اسلامی

استاد راهنما

دکتر مجید وحید

استاد مشاور

دکتر عباس مصلی نژاد

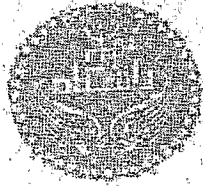
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته سیاستگذاری عمومی

اسفند ۱۳۸۷

۱۳۸۸ / ۴ / ۲۷

کتابخانه اساتید ارشد علمی بزرگ
توسعه داران

۱۱۵۴۵۸



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : حمیدرضا اسلامی

در رشته : علوم سیاسی گرایش : سیاستگذاری عمومی

با عنوان : نقش مازاد بخش کشاورزی در فرایند توسعه صنعتی ایران

را در تاریخ : ۸۷/۱۲/۲۰

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

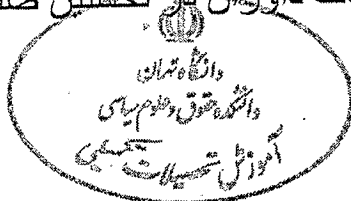
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر مجید وحید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر عباس مصلی نژاد	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر کیومرث اشترینان	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



تقدیم به پدرم و مادرم

و

تقدیم به شهدای گمنام که با خون

خویش میهن اسلامی را لاله گون

نمودند

و

تقدیم به برادر شهیدم پوریا

با تقدیر و تشکر از اساتید محترم دانشکده حقوق و

علوم سیاسی:

جناب آقای دکتر مجید وحید

جناب آقای دکتر عباس مصلی نژاد

و آقای دکتر کیومرث اشتریان

و تمامی عزیزان در:

وزارت جهاد کشاورزی

موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی

کتابخانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی

کتابخانه بانک مرکزی

مرکز آمار ایران

چکیده

در ادبیات توسعه اقتصادی در مورد اهمیت و جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه بسیار سخن رفته است. به ویژه این نقش در ابتدای فرایند توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا بخش کشاورزی بزرگترین بخش در اقتصاد کشورهای در حال توسعه بوده و می تواند به شیوه های گوناگون مانند عرضه نیروی کار و سرمایه، تامین مواد خام، بازار برای کالاهای تولیدی در بخش صنعت و تامین ارز خارجی به فرایند توسعه کمک نماید. تجربه تاریخی حکایت از آن دارد که در فرایند توسعه در ابتدا این بخش کشاورزی است که پیشتاز است. به عنوان مثال: روستو در نظریه مراحل رشد به صراحت تاکید می کند که دور اول صنعتی شدن در انگلستان طی دوره زمانی ۱۷۸۳-۱۸۷۳ به رهبری صنایع نساجی- که از صنایع تبدیلی و وابسته بخش کشاورزی است- آغاز شد. در آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان نیز توسعه صنعتی با پیشتازی و رهبری صنایع تکمیلی بخش کشاورزی آغاز گردید. ذکر چنین نمونه هایی حاکی از این واقعیت است که ارتباطی ارگانیک بین بخش کشاورزی و صنعت برقرار است و تضادی میان رشد هماهنگ بین این ۲ بخش وجود ندارد. بخش کشاورزی تامین کننده مواد اولیه و واسطه ای بخش صنعت به ویژه گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی است و از سوی دیگر توسعه بخش صنعت به شیوه های گوناگون بر رشد بخش کشاورزی تاثیر مثبت دارد. بخش کشاورزی برای محصولات سبک و سنگین بخش صنعت تقاضا ایجاد کرده و مواد خام صنعتی و همچنین نیروی کار لازم در فرایند توسعه صنعتی را فراهم می سازد. کشاورزی هم چنین به عنوان اصلی ترین منبع مالی لازم برای سرمایه گذاری در حوزه های دیگر از جمله صنعت و تکنولوژی تلقی می گردد. اما نکته اصلی آن است که در فرایند توسعه به تدریج از سهم بخش کشاورزی در تولید و اشتغال کاسته می گردد و بخش صنعت در ابتدا و سپس

بخش خدمات گسترش می یابد. در واقع سیاستگذاریهای انجام گرفته در بخش کشاورزی چون مکانیزاسیون و تامین نهاده ها، ترویج، تجهیز و نوسازی اراضی، افزایش تولید، سیاست های حمایتی، قیمتگذاری و غیره باعث افزایش بهره وری در بخش کشاورزی گردیده و در اثر افزایش بهره وری شاهد عرضه مازاد به شکل سرمایه و نیروی کار می باشیم. ایجاد مازاد بخش کشاورزی خود مستلزم توسعه بخش کشاورزی و مناطق روستایی است که از طریق تغییرات نهادی در این بخش امکان پذیر است. هم چنین موفقیت در صنعتی شدن مستلزم رفع مشکلات مربوط به ایجاد و انتقال و استفاده از منابع مازاد کشاورزی است. در ایران نیز به تدریج از سهم بخش کشاورزی در اشتغال و تولید ناخالص ملی کاسته شده است. همزمان با کاهش سهم بخش کشاورزی از اشتغال و تولید ناخالص داخلی، بهره وری نیروی کار بخش کشاورزی افزایش یافته است. برآورد بهره وری نیروی کار بخش کشاورزی نشان می دهد که این بخش با توجه به کمترین میزان سرمایه گذاری، دارای نرخ بهره وری بالاتری نسبت به سایر بخش ها می باشد. داده ها حکایت از ارتباط متقابل بین رشد بهره وری و رشد مازاد بخش کشاورزی دارد. با افزایش بهره وری در بخش کشاورزی طی چند دهه اخیر در ایران موجب شده تا مازاد بخش کشاورزی رشد بیشتری داشته باشد. مازاد ایجاد شده در بخش کشاورزی می بایستی در فرآیند توسعه همگام با کاهش سهم بخش کشاورزی، جذب بخش صنعت گردد. اما مشکلی که وجود دارد این است که آمار و اطلاعات نشان دهنده این امر است که مسیر پیموده شده در کشور خلاف روند هایی است که در دیگر کشورها پیموده شده است. در ایران کاهش سهم بخش کشاورزی لزوماً با افزایش سهم بخش صنعت و جذب مازاد بخش کشاورزی توسط این بخش همراه نبوده است، بلکه شاهد گسترش بی رویه بخش خدمات به جای بخش صنعت هستیم. در واقع بخش صنعت به ویژه صنایع روستایی به عنوان

منبع اصلی جذب مازاد، در جذب و انتقال مازاد از بخش کشاورزی بسیار ناموفق عمل نموده است. رشد سرطانی بخش خدمات در کنار الگوهای عملی دولت در ترجیحات دولت در زمینه سرمایه گذاری و ارائه تسهیلات و هم چنین سطوح متفاوت بازدهی فعالیت ها به وضوح این مساله را نمایان می سازد که ساختار اقتصاد رانتهی ایران و وابستگی غیر متعارف و فزاینده کشور به درآمدهای نفت و گسترش فعالیت های تجاری در سایه تزریق درآمدهای نفتی باعث گسترش بخش خدمات گردیده است. در همین راستا مازاد بخش کشاورزی نیز تحت تاثیر در آمد های نفتی و بیماری هلندی اقتصاد ایران به جای انتقال به بخش صنعت، به بخش خدمات انتقال یافته است .

پژوهش حاضر در چهار فصل تنظیم گردیده است:

فصل اول به بررسی مبانی نظری اختصاص دارد.

فصل دوم به بررسی فرآیند تحولات و توسعه بخش کشاورزی به عنوان پیش شرط ایجاد مازاد می پردازد.

در فصل سوم صنایع روستایی به عنوان منبع اصلی دریافت و جذب مازاد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در فصل پایانی نیز تاثیر درآمدهای نفتی بر انتقال مازاد بخش کشاورزی به بخش خدمات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

فصل اول: مبانی نظری

- ۱-۱ رابطه میان بخش صنعت و کشاورزی: دیدگاه‌های رقیب ۱۳
- ۲-۱ استراتژی صنعتی شدن با محوریت بخش کشاورزی ۱۹
- ۳-۱ تعریف مسأله ۳۰
- ۴-۱ اهداف پژوهش ۴۰
- ۵-۱ پرسشهای پژوهش و فرضیه ۴۰
- ۶-۱ پیشینه تحقیق ۴۱
- ۷-۱ تعاریف مفاهیم:
- ۱-۷-۱ مازاد بخش کشاورزی ۴۱
- ۲-۷-۱ صنعتی شدن و توسعه صنعتی ۴۳
- ۳-۷-۱ درآمدهای نفتی ۴۴
- ۸-۱ روش گردآوری و تحلیل داده ها ۴۶

فصل دوم: توسعه کشاورزی ایران پیش شرط ایجاد مازاد

- ۱-۲ مقدمه: ۴۸
- ۲-۲ کارکرد بخش کشاورزی در فرآیند توسعه ۴۸
- ۱-۲-۲ تأمین مواد غذایی ۵۰
- ۲-۲-۲ کمک به توسعه سایر بخشها از طریق ایجاد مازاد اقتصادی ۵۰
- ۳-۲-۲ کمک به تأمین سرمایه در رشد اقتصادی ۵۱

- ۵۳..... ۴-۲-۲ کمک به تأمین منابع ارزی
- ۵۴..... ۵-۲-۲ کمک به نخیره نیروی کار
- ۵۵..... ۶-۲-۲ کمک به بازار کالاهای صنعتی
- ۵۶..... ۳-۲ راهبردها و سیاستهای توسعه کشاورزی
- ۵۷..... ۱-۳-۲ راهبرد بهبود
- ۵۸..... ۲-۳-۲ راهبردهای اصلاح گرایانه و رادیکال
- ۵۹..... ۳-۳-۲ راهبرد اصلاحات ارضی
- ۶۱..... ۴-۲ سیاستهای ترغیبی
- ۶۱..... ۱-۴-۲ نظام بهره برداری کشاورزی
- ۶۱..... ۲-۴-۲ پژوهش و ترویج
- ۶۲..... ۳-۴-۲ قیمت گذاری
- ۶۵..... ۵-۲ رویکرد های توسعه کشاورزی و روستایی در ایران
- ۶۵..... ۱-۵-۲ سیاست توسعه کشاورزی و روستایی قبل از انقلاب اسلامی
- ۶۵..... ۱. توسعه نواحی مستعد با تاکید بر اقتصاد کشاورزی:
- ۶۶..... ۲. رویکرد اقتصادی مبتنی بر قطبهای رشد
- ۶۹..... ۳. رویکرد مبتنی بر دیدگاه اجتماعی
- ۷۱..... ۲-۵-۲ سیاست توسعه کشاورزی و روستایی بعد از انقلاب اسلامی
- ۷۱..... ۱. مساوات گرایی
- ۷۳..... ۲. رشدگرایی نو
- ۷۴..... ۶-۲ دورنمای تاریخی تحولات کشاورزی
- ۷۶..... ۷-۲ سیاستهای توسعه کشاورزی در برنامه های عمرانی قبل از انقلاب
- ۷۷..... ۱-۷-۲ برنامه اول (۱۳۲۷ - ۱۳۳۴)
- ۷۹..... ۲-۷-۲ برنامه دوم (۱۳۳۴ - ۱۳۴۱)
- ۸۱..... ۳-۷-۲ برنامه سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶)
- ۸۴..... ۴-۷-۲ برنامه چهارم ۱۳۴۶-۱۳۵۱
- ۸۶..... ۵-۷-۲ برنامه پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲)
- ۹۳..... ۶-۷-۲ برنامه ششم (۱۳۵۷-۱۳۶۱)
- ۹۶..... ۸-۲ ارزیابی سیاست ها
- ۹۶..... ۱-۸-۲ تأمین منابع مالی و سرمایه گذاری
- ۱۰۰..... ۲-۸-۲ افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی

- ۳-۸-۲ رشد محصولات کشاورزی ۱۰۱
- ۴-۸-۲ قیمت گذاری و بازار یابی ۱۰۳
- ۵-۸-۲ تغییر مناسبات ارضی ۱۰۶
- ۶-۸-۲ ایجاد اشتغال ۱۰۸
- ۷-۸-۲ احداث زیربناها در مناطق روستایی ۱۰۹
- ۸-۸-۲ کاهش مهاجرت روستایی ۱۱۳
- ۹-۲ سیاست های توسعه کشاورزی بعد از انقلاب ۱۱۴
- ۱-۹-۲ دهه اول بعد از انقلاب ۱۱۴
- ۱-مسأله زمین و واگذاری اراضی ۱۱۴
- ۲- تغییر در سازمان و مدیریت کشاورزی ۱۱۷
- ۳- تأسیس جهاد سازندگی ۱۱۸
- ۲-۹-۲ برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) ۱۱۹
- ۳-۹-۲ برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) ۱۲۴
- ۴-۹-۲ برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) ۱۲۸
- ۱۰-۲ ارزیابی سیاستها ۱۳۲
- ۱-۱۰-۲ تأمین منابع مالی و سرمایه گذاری ۱۳۲
- ۲-۱۰-۲ افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی ۱۳۵
- ۳-۱۰-۲ رشد محصولات کشاورزی ۱۳۶
- ۴-۱۰-۲ قیمت گذاری و بازاریابی ۱۳۷
- ۵-۱۰-۲ احداث زیر بناها در مناطق روستایی ۱۴۰
- ۶-۱۰-۲ نوسازی اراضی ۱۴۵
- ۷-۱۰-۲ عرضه و توزیع نهاده های کشاورزی ۱۴۸
- ۸-۱۰-۲ پژوهش و ترویج ۱۵۰
- ۹-۱۰-۲ ایجاد اشتغال ۱۵۲
- ۱۰-۱۰-۲ کنترل مهاجرت روستایی ۱۵۴
- ۱۱-۲ بر آورد بهره وری و مازاد خالص کشاورزی ۱۵۵
- ۱-۱۱-۲ مازاد بخش کشاورزی ۱۵۸
- ۱۲-۲ نتیجه ۱۶۰

فصل سوم : صنایع روستایی، منبع اصلی جذب مازاد بخش کشاورزی

- ۳-۱-مقدمه ۱۶۲

- ۲-۳ الگوهای توسعه صنعتی ۱۶۳
- ۳-۳ ارتباط متقابل صنایع سنگین و کشاورزی ۱۷۰
- ۳-۴-۱ تعاریف صنایع روستایی
۱. هندوستان ۱۷۴
۲. چین ۱۷۴
۳. کره جنوبی ۱۷۴
۴. استرالیا ۱۷۵
۵. ایران ۱۷۵
- ۳-۴-۲ ویژگی های صنایع روستایی ۱۷۸
- ۳-۵ صنایع روستایی در ایران ۱۷۹
- ۳-۵-۱ روند شکل گیری صنایع در مناطق روستایی پس از انقلاب اسلامی ایران ۱۸۲
- ۳-۵-۱-۱ دوره قبل از سال ۱۳۶۵ ۱۸۲
- ۳-۵-۱-۲ دوره پس از سال ۱۳۶۵ ۱۸۴
- ۳-۵-۲ جایگاه صنایع روستایی در ساختار تشکیلاتی جهاد ۱۸۵
- ۳-۵-۳ نحوه تفکیک وظایف میان صنایع روستایی و سایر معاونت های اجرایی جهاد سازندگی ۱۸۵
- ۳-۵-۴ نحوه هماهنگی صنایع روستایی با وزارت صنایع و معادن ۱۸۶
- ۳-۶ عملکرد، ویژگی و ساختار صنایع روستایی بعد از سال ۱۳۶۵ ۱۸۸
- ۳-۶-۱ استفاده از تکنولوژی و تجهیزات سرمایه بر ۱۸۹
- ۳-۶-۲ ارزشی محدود در صنایع روستایی ۱۸۹
- ۳-۶-۳ سهم بالای صنایع غذایی در مجموع واحدهای تولیدی صنایع روستایی ۱۹۰
- ۳-۶-۴ بخش عمده ای از صنایع روستایی در شمار صنایع کوچک مقیاس قرار می گیرد ۱۹۰
- ۳-۷ نواحی صنعتی روستایی ۱۹۲
- ۳-۷-۱ تعریف ناحیه صنعتی روستایی ۱۹۳
- ۳-۷-۲ اهداف ناحیه صنعتی روستایی ۱۹۳
- ۳-۷-۳ ویژگی های نواحی صنعتی روستایی ۱۹۴
- ۳-۷-۴ وضعیت نواحی صنعتی روستایی ۱۹۴
- ۳-۷-۵ توزیع نواحی صنعتی روستایی ۱۹۵
- ۳-۸ تجارب کشورهای منتخب ۱۹۶
- ۳-۸-۱ چین ۱۹۶

۲-۸-۳ هندوستان ۱۹۸

۹-۳ مقایسه جایگاه صنایع روستایی در ایران با چند کشور

- متنخب..... ۲۰۱
- ۱-۹-۳ مقایسه اشتغال صنعتی روستایی از کل اشتغال صنعتی ۲۰۱
- ۲-۹-۳ مقایسه سهم درآمدهای ناشی از فعالیت صنعتی درآمد خانوارهای روستایی... ۲۰۲
- ۳-۹-۳ مقایسه سهم صادرات صنایع روستایی نسبت به کل صادرات صنعتی..... ۲۰۳
- ۱۰-۳ اهداف صنایع روستایی تا سال ۱۴۰۰ ۲۰۴
- ۱-۱۰-۳ اهداف کلان کیفی و خط مشی های بلند مدت ۲۰۴
- ۲-۱۰-۳ اهداف کیفی و سیاستهای اجرایی میان مدت ۲۰۴
- ۳-۱۰-۳ اهداف کمی برنامه های میان مدت ۲۰۵
- ۱۱-۳ ارتباط میان بخش کشاورزی و صنعت در قالب جدول داده - ستانده ۲۰۶
- ۱۲-۳ نتیجه ۲۰۸

فصل چهارم: درآمدهای نفتی، گسترش بخش خدمات و جذب مازاد

- ۱-۴ مقدمه ۲۱۱
- ۲-۴ نفت، درآمدهای نفتی و چالش توسعه ۲۱۱
- ۱-۲-۴ افزایش نابرابری درآمدها ۲۱۶
- ۲-۲-۴ نوسان درآمدهای نفتی و ناتوانی در مقابله با آن ۲۱۷
- ۳-۲-۴ ظرفیت نهادهای محدود ۲۱۸
- ۴-۲-۴ اتخاذ رژیم تجاری نادرست ۲۱۹
- ۵-۲-۴ سیاست نامناسب صنعتی ۲۲۰
- ۶-۲-۴ سیاست نامناسب پولی ۲۲۱
- ۷-۲-۴ سیاست نامناسب مالی ۲۲۱
- ۳-۴ نقش و جایگاه نفت در اقتصاد ایران ۲۲۲
- ۱-۳-۴ تولید ناخالص داخلی ۲۲۲
- ۲-۳-۴ ارزش افزوده بخش نفت ۲۲۳
- ۳-۳-۴ روابط و تعاملات بخش نفت با سایر بخشها ۲۲۴
- ۴-۳-۴ بودجه عمومی دولت و درآمدهای نفتی ۲۲۵
- ۵-۳-۴ گسترش حجم دولت ۲۲۸
- ۶-۳-۴ گسترش رانت و رانت جوئی ۲۲۹

۲۳۱.....	۴-۴ درآمدهای نفتی و بروز بیماری هلندی
۲۳۴.....	۱-۴-۴ مدل مرکزی بیماری هلندی: اثر هزینه ای (افزایش تقاضا) و اثر انتقال منابع
۲۳۴.....	۲-۴-۴ اثر هزینه ای یا افزایش تقاضا
۲۳۵.....	۳-۴-۴ اثر انتقال منابع
۲۳۶.....	۴-۴-۴ بیماری هلندی در کشورهای نفتی
۲۳۸.....	۵-۴ بیماری هلندی در اقتصاد ایران
۲۴۲.....	۶-۴ تبعات ناشی از افزایش درآمدهای نفتی در ایران
۲۴۲.....	۱-۶-۴ قیمت ها
۲۴۳.....	۲-۶-۴ ترکیب تولید
۲۴۴.....	۳-۶-۴ ترکیب مصرف
۲۴۴.....	۴-۶-۴ قیمت عوامل تولید (نیروی کار)
۲۴۵.....	۵-۶-۴ ترکیب استقرار عوامل تولید
۲۴۹.....	۷-۴ نتیجه
۲۵۱.....	ارائه پیشنهادات
۲۵۲.....	فهرست منابع و ماخذ
۲۵۸.....	چکیده انگلیسی

فهرست جداول

- جدول ۱-۱: نیروی کار کشاورزی به عنوان درصدی از نیروی کار (تفکیک جهان و ناحیه ای)
- جدول ۱-۲: ارزش افزوده کشاورزی و سهم آن در GDP کل
- جدول ۱-۳: جمعیت شاغل بخش کشاورزی بر مبنای درصد در جمعیت کل شاغلین (کشورهای منتخب)
- جدول ۱-۴: ارزش افزوده بخش کشاورزی بر مبنای درصد در (کشورهای منتخب) GDP
- جدول ۱-۵: ارزش افزوده بخش صنعت بر مبنای درصد در GDP (کشورهای منتخب)
- جدول ۱-۶: مقایسه درصد جمعیت شاغل ایران بر حسب فعالیت های عمده اقتصادی
- جدول ۱-۷: سهم ارزش افزوده بخش های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (درصد)
- جدول ۱-۲: بهره وری نیروی کار بخش کشاورزی در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۳
- جدول ۲-۲: مازاد بخش کشاورزی در دوره زمانی ۱۳۴۲-۱۳۵۶ (میلیارد ریال)
- جدول ۱-۳: توزیع شاغلین صنعتی روستایی بر حسب رشته فعالیت در سال ۱۳۵۵
- جدول ۲-۳: وضعیت واحدهای صنعتی روستایی در طول ۳ برنامه اول توسعه
- جدول ۳-۳: مقایسه وضعیت واحدهای صنایع روستایی و بخش صنعت در دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۵
- جدول ۳-۴: وضعیت نواحی صنعتی روستایی تا پایان برنامه سوم توسعه
- جدول ۳-۵: شاخص های عملکرد بنگاههای روستایی چین در دوره ۱۹۷۸-۱۹۹۷
- جدول ۳-۶: جایگاه صنایع روستایی هند از منظر ارزش تولید و اشتغال در دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۸
- جدول ۳-۷: اهداف صنعتی سازی مناطق روستایی هندوستان در دوره زمانی ۱۹۵۱-۲۰۰۲
- جدول ۳-۸: مقایسه سهم اشتغال در صنایع روستایی نسبت به اشتغال در ۵ کشور منتخب در سال پایه ۱۹۹۶ (هزار نفر)
- جدول ۳-۹: مقایسه ارزش صادرات صنایع روستایی با کل صنایع در سه کشور چین، هند، و ایران (میلیارد دلار)
- جدول ۳-۱۰: اهداف کمی میان مدت صنایع روستایی تا سال ۱۴۰۰
- جدول ۳-۱۱: اهداف کمی میان مدت صنایع تبدیلی و کوچک روستایی تا سال ۱۴۰۰
- جدول ۳-۱۲: درصد استفاده بخش کشاورزی از نهاده های بخش های دیگر (ارتباطات پسین)

جدول ۴-۱: شاخص بهای کالاهای تولید شده در داخل به تفکیک گروه های عمده اقتصادی
جدول ۴-۲: سهم ارزش افزوده بخش های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری
(درصد)

جدول ۴-۳: واردات و صادرات غیر نفتی کالاها و خدمات به قیمت جاری (میلیارد ریال)
جدول ۴-۴: سهم درآمد عوامل تولید گروههای اقتصادی در کل اقتصاد (جبران خدمات
کارکنان- درصد)

جدول ۴-۵: سرمایه گذاری برحسب بخش های اقتصادی به قیمت جاری به کل سرمایه
گذاری- درصد

جدول ۴-۶: درصد جمعیت شاغل برحسب فعالیت های عمده اقتصادی

فهرست شکل ها

شکل ۱-۱ مراحل مختلف در دگرگونی کشاورزی

شکل ۱-۳: استراتژی توسعه صنعتی در چند کشور منتخب

نمودار ۲-۳: تفاوت ها در مسیر صنعتی شدن در دو منطقه آسیا و آمریکای لاتین

شکل ۳-۳ ارتباط صنایع سبک روستایی با صنایع سنگین و مدرن

فصل اول : مبانی نظری

۱-۱ رابطه میان بخش صنعت و کشاورزی: دیدگاه‌های رقیب

تجربه تاریخی فرایند توسعه کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می‌دهد که کشاورزی نقش اساسی در توسعه ملی این کشورها به عهده داشته است. به قول بایرس^۱ رخدادهای محوری در تاریخ کشورهای پیشرفته سرمایه داری راهی بوده که در آن مسئله کشاورزی حل شده است. صرفنظر از تجربه کشورهای صنعتی بر توسعه بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه همیشه تأکید شده است. این امر عمدتاً به سبب ارتباط این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی و همچنین کارکردهای آن در مواردی چون تأمین مواد غذایی و فراهم کردن امنیت غذایی برای جمعیت رو به رشد کشورها، ایجاد مازاد اقتصادی برای توسعه سایر بخش‌ها، تأمین ارزی خارجی برای سرمایه گذاری در سایر بخش‌های اقتصادی، تأمین مواد خام مورد نیاز صنعت، کمک به فعالیت‌های تولیدی وابسته و تکمیل حلقه‌های تولیدی از طریق ارتباط‌های پسین (مانند تأمین مایحتاج بخش کشاورزی از جمله کود شیمیایی، ماشین‌آلات کشاورزی از بخش صنعت) و پیشین (مانند تأمین مواد خام واسطه‌ای بخش صنعت از بخش کشاورزی)، افزایش قدرت خرید روستائیان از طریق ایجاد مازاد کشاورزی و ایجاد امکانات اشتغال و در نتیجه بهبود نسبی رفاه اجتماعی و اقتصادی روستائیان بوده است (فائو ۱۹۹۲).

با توجه به این کارکردها فائو تأکید می‌کند که هر چند اهمیت تأثیر بخش کشاورزی در مراحل اولیه صنعتی شدن به لحاظ تاریخی تأیید می‌شود، میزان توسعه مطلوب اقتصادی وابسته به توسعه و تکامل بخش روستایی و کشاورزی است. از لحاظ تاریخی به بیشتر اقتصاددانان اقتصاد توسعه در دهه ۶۰ و ۱۹۵۰ به کشاورزی به عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی نمی‌نگریستند چنان‌که لیتل در بررسی خود در باب اقتصاد توسعه توضیح می‌دهد: «از... کارهای آنها نسبتاً روشن می‌شود که اقتصاددانان برجسته اقتصاد توسعه درباره کشاورزی مناطق استوایی یا زندگی روستایی اطلاعات کمی داشتند و وقتی برای زندگی روستایی نداشتند و هیچ بدنه‌ای از بررسی‌های تجربی محلی موجود نبود که بتوانند بر آن اتکا کنند» (ایچر و استاتز، ۱۳۸۰) توسعه غالباً به تغییر ساختار اقتصاد معادل گرفته می‌شد یعنی کاهش نسبی سهم کشاورزی در محصول ملی و نیروی کار. به اقتصاد توسعه به عنوان عاملی تسهیل‌کننده

¹ byres

برای کشف راههای جدید انتقال منابع به ویژه نیروی کار از کشاورزی سنتی به صنعت نگریسته می‌شد، بخشی که قوه محرکه رشد تلقی می‌گردید. با خود کشاورزی اغلب به منزله یک جعبه سیاه برخورد می‌گشت که از درون آن نیروی کار و مواد غذایی و نیز سرمایه می‌توانست آزاد گردد(همان). تحلیل دیدگاه نوسازی بر نظریه های ۲ گانگی و تقابل های دو گانه و ۲ بخشی مانند شهری و روستایی، صنعتی و کشاورزی، توسعه یافته و عقب مانده، مدرن و سنتی استوار است و رابطه برتری و کهنتری مشخصه اصلی مناسبات بین آنهاست. بخش اول پویا و پیش رونده و بخش دوم ایستا و ساکن تعریف می‌شود. بر طبق این نظریه کشورهای در حال توسعه از ۲ بخش متمایز تشکیل یافته اند: الف) بخش صنعتی (شهر) که دگرگون پذیر و پویاست و ب) بخش سنتی یا کشاورزی (روستا) که ایستاست. بدین سان در بخش کشاورزی نیز ۲ بخش متفاوت تجاری و معیشتی وجود دارد(تودارو، ۱۳۷۰). اقتصاد توسعه در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به شدت تحت تأثیر مقاله آرتور لوئیس تحت عنوان «توسعه اقتصادی با عرضه نا محدود نیروی کار ۱۹۵۴» قرار داشت. لوئیس یک الگوی توسعه اقتصادی دارای دو بخش را نشان داد. یک بخش نوین سرمایه داری مبادله و یک بخش غیر سرمایه داری بومی که کشاورزی معیشتی در آن حاکم بود. تمرکز الگوی لوئیس روی آن بود که چگونه انتقال نیروی کار از بخش معیشتی به بخش سرمایه داری می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق سرمایه گذاری مجدد سودها تسهیل نماید. عرضه نیروی کاری که بخش سرمایه داری با آن مواجه بود عملاً بی نهایت بود، یعنی زمانی که بخش سرمایه داری فرصت های اشتغال اضافی را در نرخ دستمزد معیشتی عرضه می‌کند، عمده کسانی که تمایل به کار در نرخ دستمزد معیشتی دارند بیشتر از مقدار تقاضا خواهد بود، منتهی عرضه نیروی کار به دستمزد حاکم دارای کشش بی نهایت است. بیشتر اقتصاد دانان بخش سرمایه داری را با صنعت و بخش غیر سرمایه داری را با کشاورزی سنتی یکی می‌پنداشتند و استدلال می‌کردند که نیروی کار اضافی و دیگر منابع باید برای افزایش و ترقی رشد، از کشاورزی به صنعت انتقال یابد. بسیاری از تحلیل گران نتیجه گرفتند که چون رشد اقتصادی تغییر ساختاری را در بلند مدت تسهیل می‌کند، انتقال سریع منابع به ویژه نیروی کار اضافی از کشاورزی به صنعت، راهبرد توسعه اقتصادی مناسبی در کوتاه مدت است(پاپلی یزدی و امیر ابراهیمی، ۱۳۸۲). اما جانستون نشان داد که «به نظر می‌رسد این اشتغال ذهنی ظاهری به مازاد نیروی کار موجب غفلت از بخش کشاورزی و نیز ایجاد این تمایل شده است که به سادگی فرض کنند مازادی را می‌توان و باید از بخش کشاورزی بیرون کشید موجب شد تا از الزامات دشواری غفلت شود که می‌بایست برآورده شود تا کشاورزی بتواند نقش مثبتی در رشد عمومی اقتصاد ایفا کند (جانستون^۲، ۱۹۷۵، ۳۷۸).

johnston²

بی توجهی نسبی به کشاورزی در دهه ۱۹۵۰ را دیگر اقتصاد دانان اقتصاد توسعه تأیید کردند. در سال ۱۹۴۹، رائل و پربیش و هنس سینگر هر یک نظریه ای را تدوین کردند که طی زمان رابطه مبادله به زیان کشورهای صادرکننده مواد اولیه و واردکننده محصولات کارخانه ای کاهش می یابد و از این نظر نتیجه گرفتند که افق رشد از طریق صادرات کشاورزی و دیگر کارهای اولیه بسیار محدود است. از این رو پربیش و همکاران در کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین^۳ از یک سیاست توسعه مبتنی بر واردات جانشین کالاهای کارخانه ای (استراتژی جانشینی واردات) به جای افزایش صادرات کشاورزی دفاع کردند. کتاب آلبرت هیرشمن^۴ (۱۹۵۸) تحت عنوان «راهبرد توسعه اقتصادی» نیز تأثیر زیادی در تفکر توسعه در دهه ۱۹۶۰ داشت. هیرشمن مفهوم پیوندهای بین بخشی را به عنوان ابزاری برای این بررسی معرفی کرد که چگونه در جریان توسعه، سرمایه گذاری در نوعی فعالیت اقتصادی متعاقباً باعث تحریک سرمایه گذاری در دیگر فعالیت های درآمدزا می شود. به عقیده وی سرمایه گذاری می بایستی در بخش های منتخب اقتصادی صورت گیرد و آن به صورت همزمان در تمام بخش های اقتصادی. هیچ کشور در حال توسعه ای وجود ندارد که به اندازه کافی سرمایه و دیگر منابع داشته باشد که بتواند آن را به صورت همزمان در تمام بخش های اقتصادی به جریان اندازد. بنابراین سرمایه گذاری می بایستی در صنایع یا بخش های منتخب اقتصادی صورت گیرد تا توسعه و صرفه جوئی های اقتصادی به حداکثر برسند. در این شرایط سرمایه گذاری در آن دسته از صنایع و بخش های اقتصادی که حداکثر منافع اجتماعی و اقتصادی را ایجاد می کند، می تواند به مثابه لوکوموتیو رشد اقتصادی عمل کند. می توان از منافع حاصل از سرمایه گذاری در صنایع یا بخش های اقتصادی، منابع لازم برای سرمایه گذاری در سایر بخش ها را فراهم کرد. پس سرمایه گذاری در درجه اول در آن دسته از پروژه ها صورت می گیرد که از نظر اقتصادی مطلوب تر باشند و سپس این بخش سایر بخش های اقتصادی را به جلو خواهد کشید. وی عقیده دارد توسعه به طور مشخص مسیر ناهمگون رشد را طی می کند. وی تأثیر ارتباطی یک خط تولید را بر نیروهای مولد سرمایه گذاری مطرح می کند، بدین مفهوم که وقتی امکانات تولیدی برای تأمین نهاده ناکافی است یا وجود ندارد آن نیروها از طریق روابط داده- ستانده عمل می کنند. ارتباط های پسین به سرمایه گذاری جدید در امکانات تأمین کننده نهاده و ارتباط های پیشین به سرمایه گذاری در امکانات استفاده کننده از ستانده منجر می شود. (قره باغیان، ۱۳۷۵) سرمایه گذاری باید در فعالیت هایی متمرکز شود که آثار زنجیره ای بیشتری داشته باشد. به عقیده وی بخش کشاورزی به یقین فاقد توانایی ترغیب برپایی

فعالیت های جدید از طریق آثار متقابل است و برتری بخش صنعت به این لحاظ انکار ناپذیر است. رشد نامتعادل در مراحل اولیه توسعه به سود بخش صنعت خواهد شد و پس از آنکه تولید صنعتی به روال مطلوب درآمد، بخش کشاورزی را مدرنیزه خواهد کرد. به عقیده وی بهترین روش آن است که کشورهای در حال توسعه با توسعه صنعتی شروع کنند و با عرضه بیستر نهاده ها و ماشین آلات بخش کشاورزی، تولید کشاورزی را تشویق نمایند (همان). تحلیل هیرشمن موجب تأیید پیشنهاد کمیسیون سازمان ملل برای آمریکای لاتین مبنی بر اولویت بخش کارخانه ای صنایع جانشین واردات شد در این دیدگاه توسعه متوازن با توسعه صنعتی فرض شده و بر مبنای استراتژی اول توسعه صنعتی و با تأکید بر توسعه صنعتی بر مبنای نادیده انگاشتن و غفلت از بخش کشاورزی برنامه های توسعه تدوین شد. برخلاف انتظار سیاست صنعتی کردن نتوانست از نابرابریها در توزیع درآمد و ثروت، بیکاری و نابرابریهای منطقه ای بکاهد. حتی سرعت توسعه اقتصادی در بخش های گوناگون متفاوت بود. علاوه بر این، صنعتی شدن مشکلات جدی زیادی مانند رکود فعالیت های اقتصادی در مناطق روستایی، رشد قارچ وار طبقات فقیر در مناطق شهری، فساد در تشکیلات اداری و بروکراسی گسترده، نرخ رشد زیاد جمعیت و نیروی کار را در پی داشته است. تا سال ۱۹۷۰ معلوم شده بود که صنایع شهری در بیشتر کشورها نمی توانند برای ایجاد اشتغال نیروی کار فزاینده روستایی به صورت مکفی کار فراهم آورند. سیاست گذاران به زودی از نگرانی درباره چگونگی انتقال نیروی کار اضافی از کشاورزی به صنعت شهری رهایی یافتند و در عوض بر چگونگی ایجاد اشتغال بیشتر در مناطق روستایی به منظور کاهش سرعت میل مهاجران روستایی به شهرها متمرکز شدند. توجه به ایجاد مشاغل جدید تحقیقات را در سه زمینه بر انگیخت:

- ۱) ایجاد اشتغال و امکان داد و ستد میان اشتغال- تولید در صنعت و کشاورزی.
- ۲) کارکرد بازارهای نیروی کار با توجه به اینکه چگونه مهاجرت روستا به شهر را تحت تأثیر قرار می دهد.

۳) تأثیر سیاست ها در دیگر بازارهای عوامل درباره ایجاد شغل (ایچر و استانتز، ۱۳۷۸).

در دیدگاه رشد نامتعادل اقتصاد دانان غربی به توسعه از دید تجربیات تاریخی کشورهای خودشان می نگریستند. به طور مثال، اکثر اقتصاد دانان کشاورزی غربی که در طول این دوره روی مشکلات کشاورزی کشورهای در حال توسعه کار می کردند، معتقد بودند که مشکل نیروی کار اضافی روستایی می تواند با انتقال کارگران مازاد روستایی به صنعت شهری رفع شود. همچنین فرض می شد که مشاوران کشاورزی غربی می توانند مستقیماً شیوه های فنی کشاورزی و الگوهای توسعه کشاورزی کشورهای توسعه یافته را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند و برنامه های توسعه محلی می توانند به مردم روستا کمک کنند. الگویی که